



نوشته سید کمال حاج سیدجوادی

ترجمه: حسن مشکوری

سیری در معماری مسجد النبی



یثرب (مدینه منوره)

«ارض مشی جبریل فی عَرَصاتها»

«والله شرف ارضها وسماتها»

«سرزمینی که جبرئیل در عرصه آن پناهد»

«و خداوند زمین و آسمان آنرا ترفیع بخشید»

خداوند ادا عشق و علاقه مدینه را همچون مکه

و یابیشتر از آن در دل‌های ماشعله و گردان

خداوند بواسطه آن آرامش و سکونی بر مقرر کرده

واز برکات آن بر ما روزی گردان

«از گفتار رسول خدا»

مدینه در شمال غربی کوه سلع و در ۳۹ درجه

و ۳۶ دقیقه طول و ۲۴ درجه و ۲۸ دقیقه عرضی کره زمین

واقع شده است و از سطح دریا در حدود ۵۹۷ متر ارتفاع دارد

هوای مدینه بسیار گرم ولی بادهایش در تابستان،

معتدل و لطیف است جمعیت آن تقریباً ۱۸۰ هزار نفر است.

مدینه منوره، ۹۵ اسم دارد که از آن جمله دارالسنه، حرم

رسول الله، مدینه الرسول، طیبه، را می توان نامبرد.

رسول خدا و یاران مهاجر آن حضرت بعد از اینکه

با انصار (گروهی از قبایل اوس و خزرج) در جهت

حمایت خود و یاری دینش هم پیمان گردید در سال

۶۲۲ م به مدینه منوره هجرت فرمود و از آن پس، مدینه

مرکز اسلام و دژ مستحکمی برای مسلمانان تلقی گردید.

بسم الله الرحمن الرحيم

● پژوهش در معماری اسلامی را باید در معماری

مسجد نبوی ص بعنوان اولین و مهمترین اثر معماری

مسلمانان در صدر اسلام جستجو کرد و در کنار آن

تأثیر پذیری معماری مساجد ساخته شده در سراسر

جهان را از لحاظ ویژگیها و مختصات آن مورد

بررسی قرار داد.

هنگامیکه سپاه آزادیبخش اسلام جهت آزادی

سرزمینهای کفر، جهاد مقدس خویش را آغاز نمود،

در شهرهایی که فتح یا خود بنا میکرد بعنوان اولین

پایگاه اعتقادی سیاسی خود، مساجدی تأسیس

می کرد، که بنیانگذاران آن، عموماً کسانی بودند

که در مدینه منوره، مرکز و پایتخت اسلام، آمدوشد

داشتند و در مسجد النبی نماز گزارده و شیوه ساختمانی

آنرا دیده بودند.

بنیاد این مساجد جدید، اقتباسی بود از همان

معماری شناخته شده مسجد النبی که این تقلید

بصورت یک سبک و شیوه خاص برای معماری

مساجد، تثبیت گردید و بعنوان محور اصلی

ساختمانی پذیرفته شد و در طول سالیان دراز تکامل

یافت و عناصر جدیدی ابداع و پایه آن اضافه شد

بعنوان نمونه هایی از مساجد جهان و ایران که بر همان

سبک و شیوه بنا گردید میتوان از مساجد زیر نام برد

مسجد عمر و در فسطاط (قاهره) - مسجد

قبروان (مغرب) مسجد واسط (عراق) مسجد جامع

نیشابور، قم، ری، شیراز، شوش، خوشبختانه از

مساجد ایران، آثار مهمی باقی مانده که یادگار

قرن های سوم و چهارم هجری اند.

در سال دوم هجرت، یعنی سال ۶۲۴م، سپاه اسلام به فرماندهی شخص رسول خدا (ص)، از مدینه منوره به سوی «بندر»، محل وقوع اولین جهاد مقدس اسلام علیه مشرکین و کفار، حرکت نمود و در این منطقه که در نزدیکی مدینه منوره واقع گردیده است، نخستین جنگ رهایی بخش اسلام صورت گرفت و با پیروزی لشکر اسلام بر قشون کفر و ضلالت، سپاه رسول خدا موجودیت سیاسی، نظامی خود را تثبیت نمود. پس از این واقعه، نیروی حق و یاران اسلام جهت تبلیغ و معرفی آئین جدید، رهسپار مناطق مختلف جهان شدند و هر کدام پیک نور و رستگاری بودند که گلبانگ حق را به گوش جان ملتهای مختلف می‌رساندند.

یکی از بزرگترین رخدادهای شهر مدینه و نیز یکی از حساس‌ترین رویدادهای تاریخ اسلام، هجرت رسول اکرم ص به این شهر مقدس است.

در بدو ورود پیامبر ص به (عصبه)، واقع در روستای قبا و منتهی به مدینه منوره، مردم شهر مدینه با هلهله و شادمانی به استقبال نبی اکرم ص آمدند و قطعه شعر زیبایی را بگونه سرود، در پیشواز آنحضرت خواندند که قطعه اول آن سرود اینچنین است:

طلع البدر علينا من نبيات الوداع
 وجب الشكر علينا مادامنا لله داع
 ايها المبعوث فينا جئت بالامر مطاع
 از دامنه کوه وداع، ماه تابان بر ما طلوع کرد، شکر
 این نعمت بزرگ بر ما واجب است
 ای برانگیخته ای که میان ما آمده‌ای، فرمان
 تو مطاع خواهد بود

تازمان خلافت حضرت علی علیه السلام، مدینه مرکز حکومت اسلامی بود ولی در زمان آنحضرت در اثر جنایتهائی که معاویه بن ابی سفیان مرتکب شده بود آنحضرت به نبرد با او پرداخت و سپس مرکز خلافت به کوفه منتقل گردید (سال ۳۶ هجری) و پس از شهادت آن بزرگ مرد تاریخ بشریت، در مسجد جامع کوفه (سال ۴۰ هجری)، و رویدادهای حاصله آن دوران و غضب

حکومت از امام حسن مجتبی توسط معاویه بن ابی سفیان، دمشق مقرر حکومت اموی گردید و معاویه به زمامداری مدینه را به مروان بن حکم سپرد و در زمان او بود که چشمه زرقاد در مدینه جریان یافت.

یکی از مهمترین وقایع تاریخ مدینه واقعه حرة بود که در زمان تصدی حکومت از جانب بنی امیه اتفاق افتاد و لکه ننگ ابدی برای آنان بوده است و این حادثه پس از شهادت سرور آزادگان حضرت حسین ابن علی علیه السلام بدست سفاکان خونخواری چون سپاهیان یزید در عاشرای سال ۶۰ صورت گرفت و مردم مدینه پس از آگاهی از چگونگی این جنایت هولناک تاریخ بشریت و بعد از افشاگریهای پیام آوران کربلا حضرت زینب س و امام سجاد ع به خونخواهی آن مظلومان و به اعتراض علیه حکومت تباہ و فاسد اموی قیام نمودند و موج اعتراض آنان تهدید جدی برای سرکردگان حکومت به حساب می‌آمد و یزید با وجودیکه دستهای آلوده اش به خون شریف‌ترین و پاک‌ترین خون‌ها آغشته بود، فرمان کشتار اهل مدینه و غارت شهر را صادر نمود و بر اثر آن نبردی سخت بین اهل مدینه و ارتش یزید بفرماندهی مسلم ابن عقبه در شرق (حرة) در گرفت که به سبب تجهیزات و نیروی نظامی برتر سپاه یزید پیروز شد و بعد از سه روز که در آن جان و مال و نوامیس مسلمانان مدینه را بر لشکریان خود مباح نموده آنان از هیچ جنایت و سفاکی و تجاوز به مال و نوامیس مسلمین دریغ ننمودند و در آن حمام خون هشتادتن از اصحاب پیامبر ص و هفتصدتن از مهاجرین و انصار شهید گردیدند پس از آن واقعه دیگر کسی از اصحاب بدر زنده نماند و از مردم مدینه نیز ده هزارتن به شهادت رسیدند.

با وجود این جنایت عظیم و فشار و سختی بسیاری که حکومت اعمال کرد، مردم سر تعظیم در برابر حکومت غاصب فرود نیاوردند و مدینه تا سال ۵۷۲ بطور مستقل اداره شد.

تا آنکه حجاج ابن یوسف ثقفی، سپاه عظیمی برای جنگ با عبداله بن زبیر به مدینه اعزام نمود و در نتیجه مدینه به تصرف سپاه دشمن درآمد و به دست بنی امیه

افتاد.

در سال ۱۳۲ هـ حکومت به بنی عباس منتقل گردید و بعد از کشتار امویان و کشته شدن (النفس الزکیه) مدینه آرامش یافت و ضعف موقعیت عباسیان، فزونی گرفت تا آنکه حکومت آنان نیز در پرتگاه سقوط واقع گردید.

مسجد نبوی شریف

■ مسجد نبوی در ۲۴ درجه و ۲۸ دقیقه و ۵ ثانیه و ۳۵ درجه از خطوط عرضی و ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه و ۱۸ ثانیه و ۶۱ درصد خطوط طولی کره زمین قرار داده و ارتفاع آن از سطح دریا ۵۹۷ متر است^۲

چگونگی انتخاب این مکان برای مسجد

■ همانگونه که در روایات «باب الهجرة» کتب حدیث آمده است، رسول خدا ص این مکان مقدس را برای مسجد خود برگزید.

رسول اکرم اسلام ص در هنگام ورود به مدینه (یشرب قدیم)، سوار بر شتر خویش از کنار افراد و اهالی مدینه که هر کدام باصرار و تعارف رسول خدا را به منزل خویش دعوت می نمودند، گذشتند و در حالیکه مردم سعی در جلب توجه پیامبر برای قدم رنجه کردن به منزل خود را داشتند پیامبر فرمود، راه ناقه (شتر) را باز کنید و خود مأمور انتخاب مکان است. همگان کنار رفتند و بهمین منوال رسول خدا سوار بر شتر از کنار خانه های (بنی ساعده) و (بنی حارث) و (بنی عدی) گذشتند تا به کوچه های تنگ و محله های فقیر نشین مدینه نزدیک شدند، برق شادمانی و مسرت در دیدگان مشتاق مردان و زنان و جوانان و پیران محروم مدینه درخشیدن گرفت تا آنکه شتر در زمین ناهمواری که اصطلاحاً به آن (مرید)^۴ می گفتند فرود آمد و رسول خدا ص آن زمینی را که متعلق به دو یتیم بنامهای «سهل و سهیل» بود از تقسیم آنان که (ابن اسامة السعدین زراره) نام داشت

وسعی در هدیه نمودن زمین و رایگان دادن آن به پیامبر اکرم داشت به ۱۰ دینار خریداری نمود و خود در منزل (خالدین زید) معروف به ابویوب (انصاری) که جنب زمین مذکور بود به دعوت صاحبخانه، مسکن گردید. بعد از خریدن زمین، پیامبر دستور داد زمین را مسطح گردانند. گفته شده است که در آن زمین قبرهایی از دوران جاهلیت وجود داشت که پیامبر دستور دادند که زمین را کاویده و استخوانها را خارج کنند و در بیرون از زمین مسجد قرار دهند و آب های را کدی که در گوشه ای از زمین جمع شده بود بیرون ریخته و نونخلی را که در آن زمین قرار داشت بریده و زمین را صاف گردانیدند.

شروع ساختمان مسجد

■ بعد از مسطح نمودن زمین، پیامبر همراه با انصار و مهاجرین به ساختن بنای مسجد مشغول گردیدند. رسول خدا ص خود در این تلاش مقدس مشارکت مستقیم داشتند و خود بنائی میکردند و سنگها را نقل و انتقال میدادند تا بقیه مسلمین تشویق شوند و جهت هر چه زودتر برافراشته شدن اولین پایگاه وحدت سیاسی - اعتقادی مسلمین فعالیت نمایند.

سنگهای ساختمان را از کوههای اطراف تهیه می کردند و پایه های ستونها را در مساحتی در حدود ۳ ذرع عربی^۷ با قطعات سنگ و گل بصورت ملات می ساختند.

در میان شور و هیجان و فعالیت برای ساختن مسجد، مسلمانان تلاشگر، سرود دل انگیزی را می خواندند که قسمتی از آن عبارت بود از:

اللهم لاعیش الاعیش الاخره

فارحم الانصار والمهاجره

زندگی ((وشادیهای آن)) جز زندگی واپسین

نیست

پس پروردگارا، انصار و مهاجرین را مشمول

رحمت خود قرار بده

یکی از معروفترین سازندگان بنای مسجد مدینه
 عمار یاسر از صحابه و یاران باوفای رسول خدا ص بود.
 او هم در ساختن مسجد قبا شرکت داشت و هم در
 بنای مسجد پیامبر ص فعالیت داشت و بیش از دیگران
 در ساختن مسجد و آوردن خشت و سنگ تلاش می نمود.
 در خصوص مشارکت و همکاری یاران رسول
 و صحابی آن حضرت نقل می شود که یکی از اصحاب
 (گفته اند عثمان بوده) بعلت آنکه از اشراف قریش بود
 و لباسهای گرانبها به تن داشت، خود را کمتر به زحمت
 می انداخت و مرتباً خاک و غباریکه در اثر کار و فعالیت
 یاران رسول خدا بلند میشد و به او می نشست از سر و
 لباس خود می سترد.

علی ابن ابی طالب ع که متوجه این قضیه بود
 در ضمن کار کردن و فعالیت چنین رجزی می خواند؛

لا یتوی من یعمر المساجدا یدأب فیها قائما وقاعدا
 ومن یری عن الغبار احدا
 آیا آنانکه در ساختن مسجد میکوشند و در این کار
 مرتباً در رفت و آمد هستند با آنکه از غبار آن پرهیز میکنند
 و خود را دور میسازد! برابرند؟

عمار یاسر که مردی ساده دل بود و منظور از کنایه
 رجز را نمیدانست از روی پاکدلی همان رجز را خواندن
 گرفت، عثمان که کنایه علی ع را درک کرده بود،
 گمان برد که عمار دانسته به او کنایه میزند پس گفت؛
 ای فرزند سمیه دانستم چه گفتی، بخدا سوگند با این
 عصا بینی تو را درهم می گویم، رسول خدا که شاهد
 بر ما اجرا بود، از تهدید عثمان بهم برآمد و فرمود: از عمار
 چه میخواهند؟ او آنها را به بهشت دعوت میکند
 در حالیکه آنها وی را به آتش می خوانند، عمار بمانند
 پارهٔ بین دودیدگان منست مردیکه تا به این درجه از
 منزلت، رسیده است از آزارش دست بدارید^۹

صحابه، چون خشم و ناراحتی رسول خدا را دیدند از
 عمار خواستند که خود وسیله ای برانگیزد و رسول خدا را
 از این ناراحتی بیرون آورد.

پس عمار در حالیکه باری سنگین از خشت برداشته

بود، روی به رسول خدا کرد و باخنده گفت: «ای رسول
 خدا، اصحاب تو مرا کشتند زیرا آنچه را که خود قادر به
 تحمل آن نیستند بر من بار میکنند.»

رسول خدا در حالیکه به دست خویش خاک از موی
 مجعد عمار میسترد فرمود: آه ای فرزند سمیه اینان ترا
 نمی کشند، کشندگان تو گروه سرکشانند^۹

مساحت مسجد

راویان در مساحت و مقیاس های مسجد در ابتدای
 ساختمان آن اختلاف نظر دارند ولی با توجه به نظریه
 السمهودی، صاحب کتاب وفاء الوفی باخبر
 دار المصطفی، که قدیمیترین کتاب موجود در شرح
 مدینه و آثار آن است^{۱۰}، طول مسجد ۷۰ ذرع عربی
 یعنی ۳۶/۴ متر و عرض آن ۶۳ ذرع عربی معادل ۳۲/۷۶
 متر و مساحت آن تقریباً حدود ۱۱۹۲ متر مربع بوده است
 این مسجد بدون سقف بوده و فقط دارای چهار دیوار
 در اطراف و سه در به ترتیب زیر بوده است.

۱- دری که در سمت مشرق قرار دارد و مو سوم به
 باب النبی ص است به این دلیل که پیامبر از این در رفت
 و آمد میکرده اند.

۲- دری در سمت مغرب موسوم به «باب عائله» و یا
 «باب الرحمه»

۳- دری در سمت جنوب.

و در آن حال قبله به سوی بیت المقدس در جهت
 شمال قرار داشت و مسلمین بدانسو نماز میگذارند.

بنابه روایت سمهودی، مردم از شدت گرما در وقت
 نماز به پیامبر شکایت بردند^{۱۱}. رسول خدا ص دستور
 دادند تعدادی از ساقه های نخل را آوردند و بعنوان ستون
 در مسجد قراردادند که گفته شده است تعداد ۱۸ ساقه
 نخل در سه ردیف شش تایی سه ستون در سمت راست
 محل منبر و سه ستون در سمت چپ محل منبر قرار دادند^{۱۲}
 و روی آنرا باشاخ و برگ های درخت خرما پوشانند
 منبر هم در آن روز عبارت بود از قطعاتی از ساقه نخل
 که پیامبر بدان تکیه میدادند.

این ساختمان بدانگونه که ساخته شده بود حدود ۱۲ یا ۱۷ ماه حفظ شد و تغییر نمود، تا موضوع تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه مشرفه روی داد که بنا بر روایت حافظ ابن حجر عسقلانی اولین نمازیکه پیامبر بعد از تحویل قبله خواندند در محله بنی سلمه و در محلی که امروز به مسجد قبلتین مشهور است، بوده که نماز ظهر را رسول خدا در آنجا گذاردند و سپس به مسجد النبی ص آمدند و نماز عصر را با مسلمانان اقامه فرمودند.

بدیهی است تغییر قبله از جهت شمال به سوی جنوب تغییرات اساسی در معماری مسجد بوجود میآورد بطوریکه اگر مسلمانان میخواستند از همان سایبان ساخته شده شمالی استفاده کنند باید در صرف اول روبرو حیاط بایستند زیرا محل محراب عوض شده بود، لذا مسلمانان سایبان دیگری و یا باصطلاح شبستان دومی در طرف جنوبی احداث کردند و میان این دو شبستان فضای باز بصورت حیاطی باقی ماند^۱

قسمت شمالی یا شبستان شمالی مسجد محلی شد برای سکونت اهالی (صفه) و آنها افرادی بودند از مهاجرین که به دلیل عدم توانائی مالی در مسجد زندگی میکردند.

توسعه مسجد النبی ص در زمان پیامبر

بنا به روایت «السمهودی» هتوز هفت سال از ساختمان مسجد نگذشته بود که مسجد برای نماز گذاران تنگ شده بود، لذا پیامبر خانه ای که متعلق به یک انصاری بود و در جوار مسجد قرار داشت خرید و به مسجد اضافه نمود.

مساحت مسجد در آن روز تقریباً بشکل مربع و بطول ۵۰ متر و عرض ۵۰ متر بود و چون حدود ۱۴ متر در عرض به آن اضافه شده بود طبیعتاً بنای پوشش سقف آن سه ستون نیز اضافه میگردد بطوریکه تعداد استوانه ها به ۹ عدد میرسید^۲ برای پوشش سقف نیز پس از آنکه باشاخ و برگ های نخل روی مسجد را پوشاندند، روی آن نیز خاک ریختند.

طبق روایت السمهودی در یک شب بارانی مشاهده گردید که باران از سقف نفوذ کرده و در شبستان جاری شده بطوریکه بر پیشانی پیامبر بعد از سجده اثر گل آشکار بود.

ارتفاع دیوارها نیز بنا بر همان مقیاس اول یعنی ۷ ذرع (حدود ۳/۵ متر) ساخته شده بود.

افرادی که در توسعه و آبادی مسجد نبوی شرکت داشتند

بعد از توسعه مسجد در زمان رسول خدا ص خلفای دوم و سوم و سپس ولید بن عبدالملک و پس از آن مهدی عباسی و اشرف عبدالمجید عثمانی و ملک عبدالعزیز آل سعود، در توسعه و گسترش مسجد نبوی ص فعالیت نمودند.

توسعه مسجد در عصر خلفای راشدین

استوانه های نخستین، در عصر ابوبکر پوسیده شده بود و وی بانه ها و برجهای خرما آنرا بازسازی نمود.

وسعت مسجد در آن موقع نسبت به نماز گزاران تنگ و محدود بود و خلیفه دوم (عمر بن خطاب) در سال ۱۷ مسجد را تجدید بنا نمود. و استوانه هائی از آجر تعبیه کرد و سقف مسجد را با شاخه های خرما پوشانید و ستونهای چوبی نیز در آن بکار برد و سفارش نمود که آنرا به رنگهای زرد و قرمز رنگ آمیزی نکنند تا مردم شیفته نگردند.

عمر فضای مسجد را نیز توسعه داد و از نظر مساحت از شرق تا غرب مسجد را بمقدار ۱۲۰ ذرع و مابین دیوار نبه و دیوار اخیر را بمقدار ۱۳۰ ذرع اضافه نمود^۳.

توسعه بخشی عمر نسبت به قبله از طرف غرب و شمال بود بطوریکه دیوار قبله را ده ذرع جلو برد و در نهایت از طرف شام نیز ۲۰ ذرع بدان افزود.

و نیز عباس ابن عبدالطلب عموی پیامبر از جهت

غرب مسجد را توسعه بخشید بطوریکه به انتهای دیوار قبله در آن جهت چسبیده بود و شبستان اصلی را از جهت غرب به اندازه سه استوانه، یعنی نزدیک به ۳۰ ذرع امتداد بخشید.

عمر برای مسجدشش در، قرارداد، یعنی دودر به اسامی جبرئیل والنساء به آن اضافه نمود و باب الرحمه را تا غرب جلو برد و دردیگری در محل بیت عباس گشود که بنام باب اسلام معروف است و دو در انتهای مسجد را گشود.

توسعه مسجد در عصر عثمان ابن عفان

در سال ۲۹ هـ مردم از تنگی مسجد در روز جمعه به عثمان ابن عفان شکایت نمودند و او یان در اینکه وی مساحت زیادی به آن افزود و دیوار آن را با سنگهای منقش و آجرهای رنگین بنامود و استوانه هائی از سنگ منقوش و سقف چوبی ایجاد کرد، متفق اند.

عثمان شخصاً به بازسازی مسجد نظارت داشت و بعد از ده ماه از آن فارغ گردید.

عثمان بدیوار بر قبله آن تا حدی افزود بطوریکه بالکنی در آن برای ایام الله واقع گردید و این وسعت دیوار قبله تا به امروز باقی است و میزان افزایش آن ۱۰ ذرع تخمین زده شده است.

عثمان در جهت شام نیز بیست گز افزود ولی از جهت شرق چیزی بر مسجد اضافه ننمود و بالاخره در جهت غرب ده گز به آن اضافه کرد که در نتیجه طول مسجد ۱۶۰ گز و عرض آن ۱۳۰ گز شد.

عثمان برای مسجد ۶ گز قرارداد. در حالیکه در زمان عمر اینگونه نبود^{۱۱}.

در جهت این توسعه بخشی، ستون بزرگی بجای ستون چوبی بر پا کرد بگونه ای که استوانه هائی که در زمان رسول الله ص وجود داشت تغییر نکرد و بعلاوه ۶ درپچه بزرگ در دو دیوار شرقی و غربی جایگاه نماز و بین دو استوانه گشود و بر روی این استوانه ها کنگره هائی قرار نداد و بهمین خاطر در بالای آن سقف چوبی تعبیه نمود^{۱۲}.

وضع مسجد بعد از آن تا حدود ۶۰ سال، بهمین منوال بود تا اینکه ولید بن عبدالملک عمارت درخور توجهی بنا کرد و در این زمینه پولی برای عمر بن عبدالعزیز که فرماندار او در مکه و مدینه بود ارسال داشت و به او دستور داد که مسجد را ویران کند و دوباره بازسازی نماید و او اطاقهای همسران رسول خدا ص را خراب کرد و به مساحت مسجد افزود.

این توسعه از جهت مشرق و مغرب و شام «طرف بیت المقدس یا جهت شمالی» صورت گرفت. ولی بعد از سه سال یعنی در سال ۹۱ هـ کار توسعه ساختمان مسجد به اتمام رسانید.

توسعه ولید

توسعه بخشی ولید در گنجایش مسجد از طرف شرق به غرب با ۶ ستون و در جهت غرب با ۲ ستون صورت گرفت.

سهودی نقل میکند که مسافت بین دو ستون برابر ۹ الی ۱۰ گز است و به این معنی که مساحت و توسعه ولید در دیوار قبله نزدیک به ۶۰ گز بوده است که در نتیجه طول دیوار قبله از شرق تا غرب در حدود ۱۶۵ گز واقع شده و اما توسعه از جهت شمالی به ۴۰ گز بالغ گردید که این مقدار طول دیوار غربی مسجد به حساب میآید.

مساحت مسجد بعد از توسعه ولید به شرح زیر است.

طول دیوار غربی ۲۰۰ گز

طول دیوار اخیر ۱۳۷ گز

طول دیوار قبله ۱۶۵ گز

برای شبستان اصلی مسجد ۵ ردیف ستون قرار داد که هر یک از آنها از ۱۷ عدد ستون تشکیل میشود و قسمت شمالی را به میزان ۴ ردیف توسعه داد که هر یک از آنها از ۱۷ ستون تشکیل میگردد.

و عمر ابن عبدالعزیز صحن حیاط را با سقفی در کناره مشرق و مغرب مسجد احاطه نمود و طرف شرق یا شبستان شرقی را با سه ردیف و جهت غرب را با چهار ردیف ستون پوشانید بطوریکه صحن را گذرگاههای سر پوشیده

وطاقداری از چهارطرف درخود احاطه کرده بود و جلو و عقب مسجد مشرف به یازده گذرگاه و هر دو جناح شرقی و غربی مشرف به ۱۴ گذرگاه است.

عمر ابن عبدالعزیز در بالای این گذرگاهها، کنگره‌هایی ساخت که صحن مسجد را از ۴ طرف در احاطه خود دارد، این کنگره‌ها مشبک بوده اند و برای مسجد ۴ گلدسته در هر زاویه مسجد قرار دادند و همچنین در جایگاه نماز امام مقصوره از چوب به جای بالکن سنگی زمین عثمان احداث نمود.

استوانه‌های مسجد نبوی که در تاریخ ثبت شده است

در مسجد نبوی ۸ ستون وجود دارد که جاودانه باقی مانده است و هر یک از آنها روایتی را به همراه دارد که نصیبی از احادیث پیامبر اکرم ص است که شرح مختصری از این استوانه‌ها نقل میشود.

۱- استوانه‌ای که بر محراب شریف وی نصب شده است:

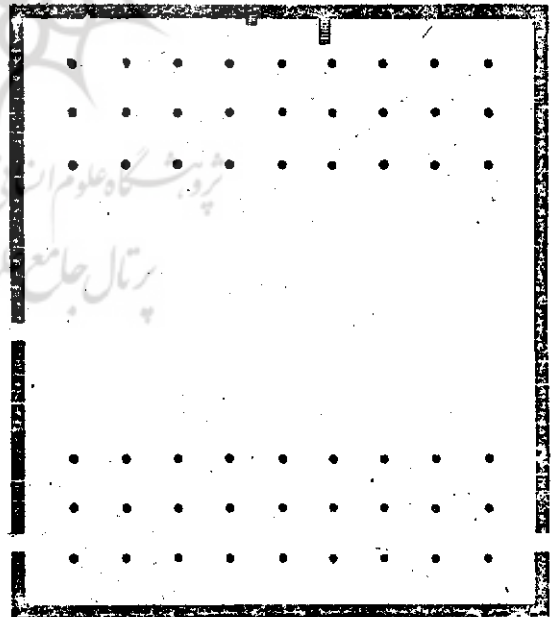
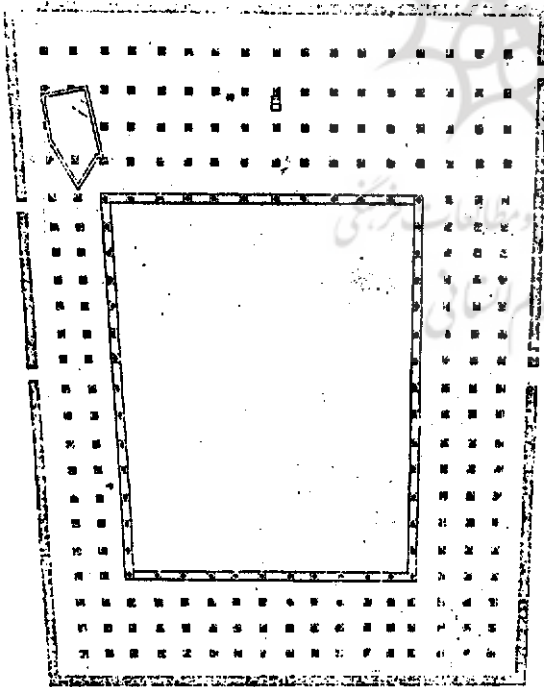
این استوانه بنام استوانه مطهر مشهور است و کمی به طرف قبله تمایل دارد و مداری از آن در محراب نبوی اضافه شده است و بر روی آن استوانه (مخلفه) نوشته شده است.

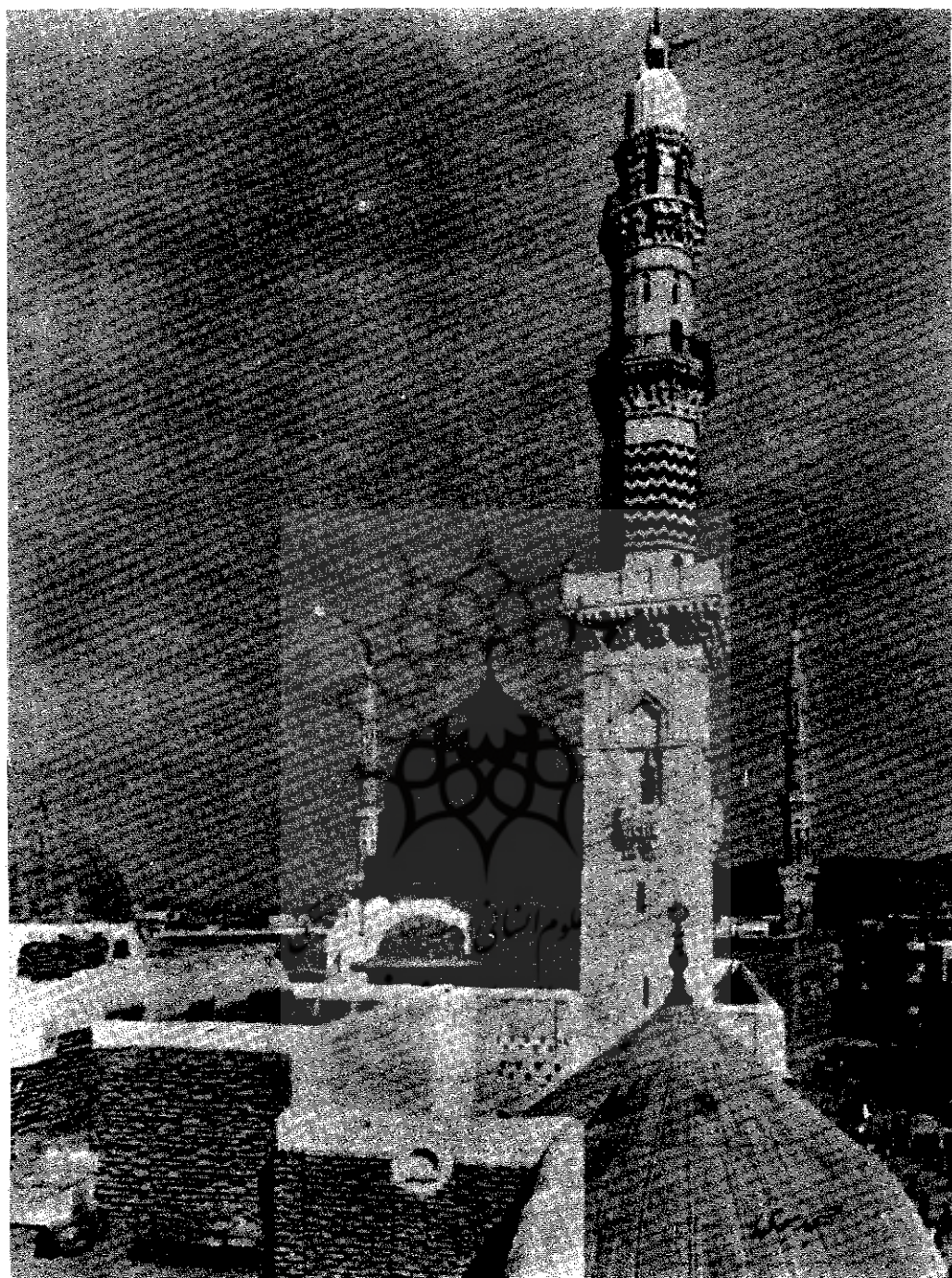
۲- استوانه عایشه:

از طرف منبر در ردیف سوم و از طرف قبر شریف پیامبر ص در ردیف سوم قرار دارد و بنام استوانه مهاجرین معروف است که در اطراف آن جمع میشده‌اند. رسول خدا ص چند روز پس از تغییر قبله با مسلمین در کنار این استوانه نماز اقامه نمودند.

۳- استوانه توبه، که از طرف منبر ردیف چهارم و

از طرف قبر شریف در ردیف سوم قرار دارد و به استوانه ابی لبابه معروف است. زیرا شخص مذکور خود را چند شب به خاطر تخلف از دستور رسول اکرم ص در جنگ بدر و یا بنی قریظه به آن بسته بود تا خدا توبه او را پذیرفت پیامبر اکرم ص نافله‌های خود را بطرف این استوانه‌ها بر پا میداشت و بعد از نماز صبح پشت به قبله می‌نشست.





۴- استوانه سریر: و آن استوانه چسبیده به پنجره‌های پشت استوانه توبه از جهت مشرق است و پیامبر اکرم ص تختی از شاخ درخت خرما داشت که در فراز این استوانه قرار داده و حضرت بر روی آن استراحت می نمودند.

۵- استوانه محرس: در پشت استوانه توبه از جهت شمال قرار دارد و به استوانه علی ابن ابی طالب معروف است و در عین حال محراب ایشان نیز بدانسو قرار دارد که در وسط آن پشت به قبر و کمی مایل به در خانه رسول خدا ص می نشست و بزرگان مدینه در کنار آن نماز می خواندند.

۶- استوانه وفود، که در پشت استوانه، محرس از جهت شمال واقع است و رسول اکرم ص با هیئتهای عرب که نزد او میآمدند در کنار این ستون اجتماع می نمودند و نیز به مجلس قلابه مشهور است که اصحاب و فضلا در کنار آن جلوس می کردند.

۷- استوانه مرتجدالبدن، به آن مقام جبرئیل میگویند و در کنار حجره و کمی مایل به طرف شمال و بین خود و استوانه وفود، چسبیده به پنجره‌های حجره مطهر واقع است و سلیمان ابن مسلم روایت کرده است که در خانه حضرت فاطمه (علیها سلام) در محل گودی واقع است و پیامبر اکرم ص بدانجا میرفت و میگفت: سلام بر شما اهل بیت «خداوند میخواهد که پلیدیها را از شما اهل بیت بزاید و شما را پاکیزه گرداند»

۱۶- استوانه تهجد، محل آن در پشت خانه فاطمه زهرا ص از جهت شمالی واقع است و در آن محرابی وجود دارد و هنگامیکه نماز گزار در جهت آن نماز میخواند طرف چپ او در جهت در جبرئیل واقع میشود و رسول خدا ص هر شب بر روی بوریائی که با خود میآوردند در کنار آن نماز می خواندند.^{۱۹}

محراب رسول اکرم ص به طرف کعبه

محرابی توخالی یا مجوف در عصر رسول الله ص وجود نداشت و اولین کسی که محراب را در مسجد نبوی

در زمان عمارت ولید بسال ۸۸-۹۱ بنا کرد^{۲۰} عمر ابن عبدالعزیز بود.

محراب رسول الله ص به طرف کعبه و در جهت غربی محراب واقع است.^{۲۱}

منبر نبوی شریف

منبر چگونه بود و به چه نحوی تحویل یافت:

روایتی از الدارمی نقل شده است که پیامبر زمانیکه موعظه میکرد برمی خاست و حالت قیام را طول میداد و چون خسته میشد به حالت ایستاده به تنه درخت خرما تکیه میزد تا اینکه مسلمانان مردی را دیدند که میگفت می توانم برای رسول خدا ص تکیه گاهی بسازم تا هروقت بخواند بر روی آن بایستد و اگر بخواند بنشیند.

پیامبر ص فرمود او را به نزد من بیاورید او را به حضور رسول الله ص بردند، پیامبر ص دستور داد که تکیه گاهی برای او بسازد.

هنگامیکه منبر ساخته شد پیامبر بروی آن می نشست.

این موضوع در سال هفتم هجری بر حسب روایت طبری و یا در سال هشتم و نهم هجری بر حسب گفته دیگران رخ داده است.

در صحیح مسلم آمده است: منبری که برای رسول خدا ساخته شد سه پله داشت^{۲۲} و برخی گفته اند که منبر از سه پله غیر از پله ای که بنام «راحتگاه» معروف بوده است ساخته شده بود.

معمولاً پیامبر اکرم ص بر پله سوم می نشست و سخن میگفت و هنگامیکه نوبت ابوبکر رسید او بر پله دوم می نشست و پایش را بر پله پائین میگذاشت و زمانیکه نوبت به عمر رسید بر پله پائین می نشست و پایش را بر زمین میگذاشت و زمانیکه نوبت به عثمان رسید بر منبر رسول ص بالا میرفت و بر جایگاه پیامبر می نشست.

هنگامیکه این مسأله بگوش معاویه رسید او بر پله های منبر افزود و ۶ پله بر آن تعبیه نمود و سطری نقل

میکنند؛ منبری که معاویه توسعه داد، در طول زمان پوسیده شد و برخی از خلفای عباسی آنرا مرمت نمودند. بهر حال این منبر شریف در آتش سوزی مسجد نبوی بسال ۶۵۴ در آتش سوخت. این منبر از چوب درخت گز ساخته شده بود.

محراب

چگونگی پیدایش محراب در صدر اسلام، بهنگام بررسی پیرامون بازسازی مسجد نبوی به دستور ولید بن عبدالملک برماروشن میشود.

کلمه محراب در دو آیه از سوره مریم و سوره آل عمران آمده است که معنی و مفهوم محراب در این دو آیه مشخص میگردد.

کلمه محراب در این آیات بمعنی اطاق یا مکان بخصوصی آمده است که در آن عبادت می نمودند و نماز بر پامیداشتند و از طرفی بعنوان مقدس ترین محل در مسجد که نماز به سوی آن اقامه میگردد تعبیر شده است.

رسول اکرم اسلام ص، از سال دوم هجری، در مسجد قبا و مسجد مدینه محراب بخصوصی نداشتند و بگمان قوی، تنها محلی در دیوار قبله وجود داشت که ساده بود و از اینرو می توان وجود محرابهای توخالی از هر نوع و شکل را در آن دوره نفی کرد. زیرا این توخالی بودن به مرور زمان دگرگون شده و هر بار که دیوار قبله را خراب میکردند و یا در مسجد نبوی توسعه میدادند این محراب عمقش بیشتر میشد.

تا اینکه در عمارت عثمان به سال ۲۴ هجری شکل کاملاً متخوف بخود گرفت.

همچنین در عمارت مروان ابن حکم بسال ۶۵ هجری و بالاخره در ایام فرمانداری عمر ابن عبدالعزیز بسال ۹۰ و ۹۱ هجری این وضع مجدداً پیش آمد.

ترتیب و تشکیل محرابها، برجسب تاریخ ایجاد آن به ۵ دوره تقسیم میشود:

اولین و پیشرفته ترین آن در سال ۲۴ هجری یعنی درست در زمان عثمان ابن عفان ساخته شد.

دومین محراب در زمان عمرو بن عاص در سال

۵۳ هجری، و سومی به سال ۶۵ هجری در مسجد نبوی ص و چهارمین محراب بسال ۷۹ هجری در عمارت عمرو بن عاص یعنی روزهای فرمانداری عبدالعزیز بن مروان و پنجمی به سال ۹۰ هجری در مسجد نبوی احداث گردید.

توسعه بخشی مسجد در عصر مهدی عباسی

مسجد پیوسته به همان حال باقی بود و ولید چیزی بر آن نیفزود تا اینکه ابوجعفر منصور تصمیم گرفت به آن توسعه دهد، ولی طولی نکشید که درگذشت و مهدی تصمیم او را دنبال نمود.

بازسازی و توسعه مسجد بعد از دوسال و بعبارتی پس از پنج سال صورت گرفت^۱ و گفته میشود که توسعه آن از جهت شام بمیزان ۱۰۰ ذرع است^۲ ولی بطور قطع ۶۵ ذرع بوده و چیزی در جهت قبله و مغرب و مشرق به آن اضافه نشده است.

میزان افزایش مسجد معادل ۶ ستون بوده و حدود شمالی آن تا این حد در طول تاریخ قید شده است.

گفته میشود مهدی قسمت عقب مسجد را با کاشی های رنگین «نازک کاری» زینت داد و آثار این تزئین تا عهد سمهودی باقی بود.

دفن پیکر پاک پیامبر ص در حجره عایشه

ابن اسحق و الزهانی میگویند که سعید ابن سبب به نقل از ابی هریره بما چنین گفت که زمانیکه حضرت رسول اکرم ص رحلت نمودند، عمر برخاست و گفت عده ای از منافقین تصور میکنند که رسول خدا وفات یافته است در حالیکه بخدا قسم این چنین نیست و رسول وفات ننموده است بلکه او به نزد پروردگار خود رفته است، همچنانکه موسی بن عمران رفته بود و شبانه روز از نزد قومش دور شده و سپس به نزد آنان بازگشته بود و رسول خدا نیز باز خواهد گشت همچنانکه موسی بازگشت در این موقع ابوبکر به مسجد رسید و چون سخنان عمر را شنید فریاد زد: خاموش باش و زمانیکه مردم صدای ابوبکر را شنیدند به طرف او رو آوردند و عمر را

رها کردند او گفت: محمد ص در گذشته است و سپس این آیه را تلاوت نمود:

وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل^{۲۵}

پس آنگاه در حالیکه در مرحله سقیفه بنی ساعده طی یک شورای ساختگی کودتائی به وقوع می پیوست تا ضمن آن فرصت طلبان و توطئه گران اولین حرکت را در جهت تحریف اسلام و تغییر خلافت از وصی خاص رسول ص بی اغازند - علی - علیه السلام جهت تعظیم

و تکریم پیکر پاک رسول خدا، خود اقدام به غسل و کفن آن حضرت نمود و آن پیکر مظهر را در محل حجره عایشه، دفن نمود و در میان قبر سر مبارک حضرت را به سمت مغرب و پاهای آن بزرگوار را به سمت مشرق و صورت حضرت را به طرف قبله قرار دادند.

بین پیکر حضرت پیامبر و دیوار خانه قبلی یک وجب فاصله بود و گفته میشود به اندازه یک تازیانه بین حضرت و بین دیوار غربی به اندازه ۲ ذرع فاصله بود.

۱ و ۲ مراجعه شود به: بلاذری - فتوح البلدان - و یعقوبی - معجم البلدان

۳ علی حافظ - حصول من تاریخ المدینه ص ۵۱

۴ ابن سعد - الطبقات الکبری ج ۱ قسمت ۲ ص ۲

۵ در روایت آمده است که:

كان رسول الله ص يسنئ و ينقل الحجاره بنفسه حتى يرغب المسلمين

وفى العمل فيه (مدرک ابن سعد - طبقات ص ۲ / قسم ۲ ص ۲ و سیره ابن هشام

ج ۱ ص ۳۳۵

پیامبر خود کار بنائی و نقل و انتقال سنگها را انجام میدادند تا مسلمین را در فعالیت برای ساختن مسجد ترغیب نمایند.

۶ - هر ذرع عربی بنا به روایت السهودی عبارتست از تقریباً دو وجب

۹ - سیره ابن هشام ج ۲ ص ۱۱۴ و شرح سیره ابن هشام بقلم ابوزر خشتی متوفی ۶۰۴ - هجری

۱۰ - وبع ابن سمیه لیسوا بالذی یقتلونک انما تقتلک الفتنه الباغیه رسول اکرم ص

۱۱ - پیرامون مدینه دو کتاب توسط متقدمین نوشته شده است اولی بنام «الدرة الثمینه» اثر ابن التجار متوفی به سال ۵۹۳ هجری که

اصل کتاب در آتش سوزی از بین رفته و خلاصه ای از آن بطور مخطوط باقی مانده که چاپ نیز شده است.

سهودی کلیه کتابهاییکه درباره مدینه نوشته شده بود خوانده و بعنوان مرجع از جمله کتاب فوق را نام میرد.

و در اینجا باید از «ابراهیم رفعت» صاحب کتاب «مرآة الحرمین» نام برد که مقیاسات فوق را نیز تأیید میکند.

۱۲ - السهودی - وفاء الوفی ج ۱ ص ۲۳۹

۱۳ - همان مصدر ج ۱ - صفحات ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۱

۱۴ - احمد فکری: مساجد القاهره - نقل از «الدرة الثمینه» ورقه ۲۳/۲۱

۱۵ - احمد فکری - مساجد قاهره ص ۱۷۱

۱۶ - ۱۷ - از تحقیقات دکتر احمد فکری در کتاب مساجد القاهره ص ۱۷۲ - ۱۷۴

۱۸ - ماخذ کلیه مطالب فوق کتاب مساجد القاهره است.

۱۹ - درباره استوانه ها از کتاب فصلهای از تاریخ مدینه منوره ص ۵۷ - ۵۹ نقل قول شده است.

۲۰ - السهودی وفاء الفاء ص ۲۷۰ جزء اول

۲۱ - همان منبع ص ۳۷۴

۲۲ - کتاب السهودی ص ۳۹۶ جزء اول

۲۳ - السهودی (وفاء الوفاء) ص ۵۳۶ جزء دوم

۲۴ - دکتر احمد فکری (مساجد قاهره و مدارس آن) ص ۱۷۹

۲۵ - خلاصه از تاریخچه زندگی حضرت رسول گرامی از محمد بن عبدالوهاب ص ۱۸۸ و نیز زندگی محمد ص اثر محمد حسنین هیکل ص ۵۰۵